

طالع

روزنامه

تاریخ
۱۰
مرداد
۱۳۹۷
چهارشنبه

تو را در این خانه می‌خواهم
میان سایه‌روشن نور و سایه...
تو را حاضر می‌خواهم
میان تنهایی پنجره...
نارون پیر می‌گفت
مرگ درخت را تبر رقم می‌زند

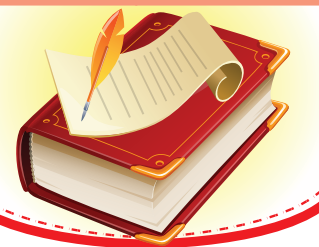
ولی او عاشقانه می‌میرد
مرا سرنگون کن...
که در این گور تنهایی
دیگر ایستادگی بی‌معناست
من این باغ بی‌درخت را
دیگر نمی‌خواهم...



مژگان قائمی

صفحه
۶
شماره
۲۲۹۷
سال
بیست و چهارم

ادبی و هنری



و
عشق
ولع نوشیدن شو کرانست
در
بلورنای جام...
*
و
عین
حرف اول عشقست
آنجا که نام کوچک تو
آغاز می‌شود
*
شب ناله‌هایم را
برای تو می‌سرایم
ای که چشمانت دریای شور
و
لب‌هایت غزلواره‌های شیرین...
یوسف کمان من
وقتی که می‌خندی
بازار مصر کساد می‌شود
*
برخ را تجربه کردم
آن روز که نمی‌دانستم
در دوزخ چشمانت بسوزم
یا
میوه ممنوع لب‌هایت را بچینم!

آرزو موسوی
(فاخته)



نامت
صدایت
یادم نیست
جز چتری
که انتهای خیابان
گم شد
*
بوییدم
یاس‌های لای کتابت را
سرد شدم
سرد
آن قدر که مرده باشم
*
کدام راه؟
و هر تکه‌اش به سوی می‌رفت
گل قاصدک
*
کوچک که بودم
بزرگ‌ترین آرزوی من بودی
چیزی بگو
حالا که قد کشیده‌ام
حالا که می‌دانم
آن پایین خبری نبود و
این بالا خبری نیست...

کیوان بر آهنگ



قطارهای پُر از آدم،
ساکت‌ترند.
از این همه آه سنگین
که می‌برند.
دست‌هایم آن قدر اتفاق خداحافظی را
تجربه کردند،
که شاخه‌شاخه شدند.
هر تک‌انگم سایه‌ای ست،
که می‌ترسد
در گوش سایه آن یکی،
باد بیاید.
حالا همه... سایه‌هایم
که دیوار شده‌ام.
در خواب‌ها همیشه کسی
کسر می‌شود.
و در بیداری با وجود اهدای خون،
باز یکی می‌میرد.
در تکثیر تنهایی آواز می‌خوانیم!
ما،
که یک دقیقه پیش پای صبح؛
تازه خوابیدیم.

نوشین
جمشیدی



چطور سرخ نباشم...؟
به سؤال بازمی‌گردم
به بی‌تابی
به برهنگی در اعتنا
به پرتاب ماهیت...
به خودی‌های خود کرده‌ی آشنا
چرا سرخ نباشم
به منظر نوسان
به بیان...
وقتی جهان حادث من...
قلب...؟
تکامل تقارنِ انتهایست به رنگِ اذعان...

نامی به برهنگی درون نزدیک‌آم
بیغزا...
نامی میانجی؟
تا تمهید بیخ‌پچه‌ای هوشیار
در شکل تابستانه نشانه‌های بی‌تاب
ناپدید نگردد...!

مهناز
توماج آوات



تو از تبار کدامین قبیله‌ای ای عشق؟!
که این چنین دل و دین را برده‌ای ای عشق
تو از پس چندین هزاره می‌آیی؟!
که عقل و منطق و دین را چکیده‌ای ای عشق
به صدر دفتر و دیوان شاعران کهن
تو شاه‌بیت غزل یا قصیده‌ای ای عشق
هر آنکه لاف تو زد با جنون تبانی کرد
مگو که عاشق مجنون ندیده‌ای ای عشق
به نقش ماه در آغوش برکهای آرام
تو آن تلاطم هم ریز ماه و برکهای ای عشق
شمیم فصل بهار است و نهم باران
تو عطر خیس بهار و بشفه‌ای ای عشق

حسن زارع

منتظر داستان و اشعار شما هستیم
لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر
روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید.
ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد
است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.
toloudaily@gmail.com
کارشناس (این شماره) سرویس ادبی - هنری: **محمد رضا عسکری**

جهان دل نهاده بدین داستان نیاز ایرانیان به سرایش شاهنامه

محمد رحیمی

قسمت پنجم

بزرگ‌ترین کنگره علمی، در هزارمین سال زایش حکیم فردوسی:
هزاره فردوسی یا جشن هزاره فردوسی، مجموعه آیین‌هایی بود که به مناسبت هزارمین سال زایش فردوسی در سال ۱۳۱۳ مهرگانی در تهران، طوس و دیگر شهرهای ایران برگزار شد. در کنگره هزاره فردوسی که نخستین گردهمایی بزرگ علمی در ایران بود، ۴۰ تن از ایران‌شناسان برجسته از ۱۷ کشور و ۴۰ تن از دانشمندان و ادیبان ایرانی شرکت داشتند. به مدت ۵ روز از ۱۲ تا ۱۶ مهر ۱۳۱۳ سخنرانی‌هایی در تالار دارالفنون تهران، ایراد گردید و برخی از آن‌ها در کتاب هزاره فردوسی به چاپ رسید. جشن هزاره فردوسی به سال ۱۳۱۳ خورشیدی یکی از رویدادهای مهم فرهنگی سده و مهم‌ترین کنگره علمی بود که در ایران معاصر برگزار شد.
هم‌زمان با کنگره هزاره فردوسی در بیشتر شهرهای ایران نیز مراسمی برگزار شد که در آن‌ها سخنرانی‌هایی ایراد گردید و شعرهایی خوانده شد! هم‌زمان نمایش‌هایی از داستان‌های شاهنامه اجرا گردید. در شهرهای گوناگون، خیابان‌ها و دبستان‌ها و دبیرستان‌هایی به نام فردوسی نام‌گذاری شد. پس از پایان کنگره هزاره فردوسی، شرکت‌کنندگان کنگره به مشهد سفر کردند و بنای آرامگاه فردوسی در طوس که ساخت آن از هشت سال پیش از آن آغاز شده بود، با حضور رضاشاه افتتاح گردید.
نگاه جهانی به فردوسی در پایتخت‌های مهم:
در خارج از ایران نیز در پاریس، لندن، رم، مسکو، برلین و برخی از دیگر شهرهای اروپا و آسیا با تشکیل جلسه‌های سخنرانی مراسم بزرگداشت فردوسی اجرا شد. برگزاری آیین‌های هزاره فردوسی، سرآغاز تحقیقات گسترده شاهنامه‌شناسی در ایران و جهان گردید. افزون بر نوشتارهای روزنامه‌ها، در ایران دو دوره متن شاهنامه به سرمایه کتاب‌فروشی‌های خاور و بروخیم به چاپ رسید. مجله ادبی مهر؛ شماره‌های مهر و آبان ۱۳۱۳ مهرگانی خود را یکجا به نام فردوسی‌نامه مهر؛ شامل نوشتارهایی درباره شاهنامه و فردوسی منتشر کرد. مجله باختر در اصفهان نیز شماره‌های ویژه فردوسی انتشار داد!
آیین‌های جهانی پاسداشت فردوسی و شاهنامه:
به پیشنهاد بنیاد شاهنامه فردوسی بنا بود در سال ۱۳۵۹ خورشیدی آیین‌های جهانی هزاره شاهنامه به مناسبت هزارمین سال آغاز سرایش آن برگزار شود که با چند سال تأخیر برگزار شد، از ۲۵ تا آخر اردیبهشت، به نام روز و هفته بزرگداشت فردوسی نام‌گذاری شد، هر سال در این روز و در هفته پایانی اردیبهشت‌ماه، آیین‌های بزرگداشت فردوسی و شاهنامه و سخنرانی پیرامون آن‌ها در دانشگاه‌ها و نهادهای پژوهشی در تهران، مشهد و برخی دیگر از شهرهای ایران و جهان برگزار می‌شود!



شعر عربی نیست! محمد شبانکاره‌ای در مجمع‌الانساب (۷۳۸ هـ) در بیان داستانی از محمود، فردوسی را «جامع علوم عقلی و نقلی» می‌داند؛ اما از او بدگویی هم می‌کند و او را به‌خاطر شیعیه بودن سرزنش می‌نماید و این را یکی از دو دلیلی برمی‌شمارد که سلطان محمود نسبت به فردوسی، دیدگاهی خوش نداشت. آشوب هندی (وفات ۱۱۹۹ هـ) در مثنوی «فتوحات شام» خویش و به‌خاطر قومیت‌گرایی به فردوسی و شاهنامه دشنام فراوان داده است!
به باور خالقی مطلق؛ فردوسی و شاهنامه را دشمنانی نیز بوده‌است. او کنایه‌ها و نیش‌های سرایندگان درباری محمود یا کسانی چون امیر معزی را جدی نمی‌پندارد و آن را بیشتر برای خوشامد ستودگان و پرمایه شدن بخشش آنان می‌داند. خالقی مطلق دشمنان راستین فردوسی و به‌خاطر سرایش داستان‌های کهن ایرانی بر فردوسی و شاهنامه، «یوسف و زلیخا» و ربیع سراینده «علی‌نامه» با آن که خود از شاهنامه فردوسی، بسیار بهره برده‌اند، سرایش سرایش داستان‌های کهن ایرانی بر فردوسی خرده گرفته‌اند؛ اما خالقی مطلق، زشت‌ترین این ستیزه‌ها را از سوی دو تن از شاعران می‌داند: نخست بدگویی‌های آشوب هندی و دیگری شاعری در روزگار کنونی؛ و سخن نویسنده «خلاصه‌الافکار» در پاسخ آشوب هندی را برای هردو روا می‌داند: «جرئت قبیح و وقاحت صریح» اما در میان خاورشناسان «دوارد براون» با فردوسی و شاهنامه میانه خوبی نداشت. او می‌گوید: «در نامداری فردوسی و شاهنامه او تردیدی نیست، اما بر این باور است که شاهنامه حتی یک‌لحظه توان برابری با مملکت عربی را ندارد. او شاهنامه را در برابر سروده‌های حکمی و غنایی فارسی، تهی از زیبایی و ذوق هنری می‌داند». براون می‌گوید: «شاهنامه دارای وزنی یکنواخت است؟! او تشبیه‌های شاهنامه را یکنواخت و یکسان می‌داند و بر این باور است که شاهنامه چنان‌که باید در ترجمه نمی‌گنجد و شکوه آن در ترجمه از بین می‌رود. او غرور ملی ایرانیان را نیرومندترین دلیل در دوست داشتن شاهنامه در می‌داند و سه دلیل را برای ستودن شاهنامه از سوی خاورشناسان بیان می‌کند: نخست - از دیدگاه پژوهش‌های لغوی. دوم - از دید ستایش آثار نژاد آریایی در برابر نژاد سامی از سوی، روح هلنیستی. سوم - این که داستان‌های شاهنامه از دید دانش اساطیری و افسانه‌های ملی جالب توجه و بی‌نظیر است.
ویژگی‌های واژه: جید، نقش دستوری: صفت. آواشناسی: ayyved، الگوی تکیه، به معنی: خوب، نیک، نیکو، خوش آوا ...
ادامه دارد...

از دیگر کارها، ضرب مدال فردوسی به مناسبت هزاره فردوسی در سال ۱۳۱۳، چاپ تمبر در نخستین جشن طوس در سال ۱۳۵۴ خورشیدی و طراحی قلم فردوسی هم‌زمان با هزاره پایان سرایش شاهنامه، سال ۱۳۸۹ مهرگانی انجام گردید!
گستره و نفوذ شاهنامه فردوسی:
درباره گستره نفوذ شاهنامه در دو سده پس از مرگ حکیم فردوسی، دیدگاه‌های متفاوتی بیان شده است. ریاحی، محمدامین، بر این باور است که در همان سال‌های آغازین پس از مرگ فردوسی ناسازگاری با شاهنامه آغاز شد که از دید وی بیشتر به سبب سیاست‌های ایران‌ستیزانه دربار عباسیان و مدارس نظامیه پدید آمد. او می‌گوید: نویسنده‌گانی مانند عبدالجلیل رازی قزوینی، نویسنده کتاب النقص - که شیعه بوده‌است - شاهنامه را «ستایش‌گبرگان» دانسته‌اند و همچنین عطار نیشابوری خواندن آن را «بدعت و ضلالت» می‌داند! سرایندگان دیگری نیز از فرخی سیستانی و معزی نیشابوری، گرفته تا انوری، فردوسی را سرزنش کرده‌اند. ریاحی می‌گوید: گمان می‌رود که اینان برای خشنودسازی سردمداران ایران‌ستیزی که از شاهنامه فردوسی دل‌خوشی نداشته‌اند، شاهنامه را دروغ و پر از کاستی، یا بی‌ارزش دانسته‌اند! بنا بر باور ریاحی تا دو سده پس از فردوسی، با آن‌که در برخی گزارش‌ها و کتاب‌ها از او یاد شده - باین‌همه، در کتاب‌های تاریخ و بزرگان ادب که به دستور فرمانروایان و بزرگان زمانه و همساز با پسند دیوانیان و اهل مدرسه گردآوری شده‌است، نامی از فردوسی نیست و از همین رو، در کتاب‌هایی چون تاریخ یمنی، زین‌الاحبار، تاریخ یبختی، تیمه‌الدهر و انساب سمعانی نامی و نشانه‌ای از بزرگ‌ترین شاعر آن روزگار و رویدادهای زندگی او نیست. او ادامه می‌دهد: باین‌حال، در سرزمین‌های دورتر از بغداد که خلافت عباسی بر آن‌ها چیرگی کمتری داشت، از شبه‌قاره هند گرفته تا سیستان، آذربایجان، اران و آسیای صغیر، نویسندگان و شاعرانی از فردوسی یاد کرده‌اند یا او را به بزرگی ستوده‌اند. برای نمونه نظامی عروضی در میانه‌های سده ششم هـ ق، نخستین زندگی‌نامه از فردوسی را در چهارمقاله نوشت. در نزدیکی سال ۶۲۰ هـ ق نیز بخشی از شاهنامه در شام (سوریه) به دست بنداری اصفهانی به عربی برگردانده شد. یا سعدی به نیکی و بزرگی از فردوسی، یاد می‌کند و بارها از نام قهرمانان کتاب شاهنامه در آثار خود نام برده است و حتی بیثی از شاهنامه را در کتاب بوستان واژه به واژه آورده که در اصطلاح ادبی به این کار «ضمین» می‌گویند:
چه خوش گفت فردوسی پاکزاد که رحمت بر آن تربت پاک باد میازار موری که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است!